



سپاه تهران بزرگ و یکان ویژه

این روزها شاهد تحرکات نظامی و انتظامی در تهران و شهرهای بزرگ هستیم. رژیم جمهوری اسلامی زمانی از لباس شخصی ها و نیروهای مساجد و بسیج محلات برای ایجاد رعب و وحشت و سرکوبی استفاده می کرد. حالا بطور رسمی و کاملاً آشکار نیروهای نظامی سازماندهی شده را با فرمهای نظامی مشخص و ساز و برگ نظامی راهی خیابانها کرده است. مرز خودی و غیر خودی را در جامعه روشن ساخته است. در یک طرف این مرز، باندهای مافیائی رژیم، رشوه خواران، دزدان و غارتگران و عوامل رژیم و در طرف دیگر کارگران، روشنفکران، دانشجویان، معلمان و سایر زحمتکشان شهر و روستا.

* * * * *

جان زندانیان سیاسی در خطر است

رژیم جمهوری اسلامی با دستگیریهای گسترده اخیر زندانیان سیاسی سابق، کارگران و معلمان و مبارزان سیاسی و جوانان معترض در شهرهای مختلف و با مخفی نگه داشتن اسامی و محل زندانیان در صدد توطئه ای گسترده و جنایتکارانه است. با تجربه تلخ سالهای ۶۰ و کشتار دسته جمعی و بیرحمانه و وحشیانه زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ که هنوز اسامی تعدادی از جانباختگان نامعلوم مانده است. بسیاری از خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، از روی فشار و یا احتیاط رغبت نمی کنند اسامی عزیزانشان را در اختیار سازمانهای مترقی و مجامع بین المللی طرفدار حقوق بشر قرار دهند. برخی از خانواده ها نیز به امید وعده وعید ریاکارانه حاکمان اسلامی جنایتکار از افشای اسامی عزیزانشان که زندانی هستند، خودداری می کنند. در صفحه ۳

* * * * *

در این شماره

اخبار و گزارشات داخلی ۵ و ۶

حکم اعدام اکبر محمدی تأیید شد
تشخیص مصلحت نظام قانون وضع می کند
نیروهای انتظامی در گرایش سه نفر را کشتند
هادی خامنه ای و فروش روزنامه حیات نو

اسامی تعدادی از زندانیان سیاسی ۳

خلاصه ای از گزارش کمیته کردستان ۴

۱۸ تیر سر آغاز جنبش نوین دانشجویی

۱۸ تیر سال ۷۸ صفحه ی جدیدی در تاریخ جنبش نوین دانشجویی ایران گشود و راه گشای بسیاری از حرکات دیگر اجتماعی و سیاسی گردید. تئورسینما و برنامه ریزان رژیم و بنا به توصیه حامیان خارجی سیاست فضای باز "تحت کنترل" را برای جناحهای رژیم دیکته کردند. رژیم جمهوری اسلامی نهادهای بظاهر دمکراتیک بوجود آورد و احزاب مختلف باندی تشکیل داد و اجازه انتشار نشریات و روزنامه ها را برای جناحهای حکومتی صادر کرد. احزاب جدید بعنوان اپوزیسیون حکومتی به فعالیت پرداختند و با افشای برخی از عملکرد دستگاههای رژیم عملاً موجب رشد تضادهای درونی رژیم گردید. با این حال رژیم موفق گردید در مقاطعی حرکات اعتراضی را در جهت منافع جمهوری اسلامی هدایت کند و جنبش اعتراضی توده ها را از سازماندهی مستقل دور سازد و باند دوم خردادی خود را محور حرکات دمکراتیک نشان دهد و پتانسیل نیروهای اجتماعی را کنترل و نیروهای مبارز و انقلابی را شناسائی و از سازماندهی آنان جلوگیری بعمل آورد. با رشد بحران اجتماعی و اقتصادی و رشد اعتراضات توده ای و ضعف باند دوم خردادی در کنترل اعتراضات توده ای باند غالب یورش خود را به مطبوعات شدت بخشید و روزنامه سلام که به سخنگوی باند دوم خردادی تبدیل شده بود به تعطیلی کشاند. باند دوم خردادیهها از طریق دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه ها اعتراضی برعلیه تعطیلی روزنامه سلام شکل دادند. با تعطیلی روزنامه سلام چالشهای سیاسی و درگیری های جناحی وارد مرحله جدیدی گردید. جناح ولائی بدون توجه به توافقات یورش به لایه های پائینی دوم خردادیهها را گسترش داد. در ۱۸ تیر ساعت ۴ و نیم صبح در تاریکی نیروهای امنیتی معروف به لباس شخصی ها با حمایت نیروهای انتظامی با فریادهای یا حسین، یا زهرا به کوی دانشگاه حمله بردند و با مشت و لگد درها را شکستند راهروها و اتاقها را با گاز اشک آور پر کردند. با گلوله عزت اله ابراهیم نژاد را بی رحمانه کشتند و تعدادی را با چاقو زخمی کردند و بعضی را از پنجره ها بیرون پرتاب کردند. نیروهای نظامی و امنیتی رژیم به حالت آماده باش در آمدند. دانش جویان مبارز اعتراضات خود را به تظاهرات خیابانی تبدیل کردند. با گسترش حرکات اعتراضی دانشجویان و همراهی مردم مرحله جدیدی در جنبش دانشجویی و مردمی شکل گرفت و راه خود را از دوم خردادیهها جدا کرد و موجودیت کل رژیم را زیرسؤال برد. شعار سرنگونی رژیم در دستور روز قرار گرفت. نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم برای سرکوبی حرکات اعتراضی دانشجویان از اسلحه استفاده کرده تعدادی را زخمی و تعدادی را نیز دستگیر کردند. رژیم با این حال نتوانست این جنبش را سرکوب کند و پرونده این جنبش را ببندد.

۱۸ تیر سر آغاز یک اعتراض نهفته توده ای بود و این اعتراضات دانشجویی به شهرهای دیگر کشیده شد ولی در مورد فاجیعی که در شهرهای دیگر انجام شد نکات مبهم

راهپیمایان را پاره کرده و زیر ضرب و شتم قرار می دادند." از روز ۲۱ تیر ماه دانشگاه تبریز تحت کنترل نیروی انتظامی قرار گرفت و کلاسهای درس تعطیل شد و بعد از باز شدن کلاسها تعدادی از ترس دستگیری در کلاسهای درس حاضر نشدند. و حدود ۱۳ روز نیروهای انتظامی با استفاده از اتوبوسها راههای منتهی به دانشگاه را مسدود کردند.

حرکات اعتراضی دانشجویان در مسیر خود توانست از حمایت توده ای برخوردار شود و کارگران، روشنفکران و توده های مردم حمایت عملی خود را از این جنبش نشان دادند. در اثر اعتراضات عمومی وزیر اطلاعات گفت " در جریان کوی دانشگاه حدود ۱۲۰۰ نفر دستگیر شدند که کمتر از ۲۰۰ نفر آنان دانشجوی بودند و حدود ۶۰۰ نفر را دانش آموزان تشکیل می دادند، بقیه را مردم عادی تشکیل می دادند." (نقل از روزنامه نشاط ۶ شهریور ۱۳۷۸)

هر چند تعداد دستگیر شده ها خیلی بیشتر از این ارقام بوده است با این وجود نقل گفته خود نکات جالبی را نشان می دهد. در این گفته تعداد دانش آموزان را ۶۰۰ نفر اعلام می دارد که این خود آمار بسیار بالائی است. دانش آموزان نشان دادند که بعنوان یک نیروی بالفعل در سطح جنبش قرار دارند. از طرف دیگر ارقام مردم عادی که می توان از تعداد اعلام شده وزیر اطلاعات رژیم اخراج کرد یعنی ۴۰۰ نفر که شامل کارگران و سایر زحمتکشان شهری می شود. این آمار تنها شامل دستگیر شدگان اعلام شده ی وزارت اطلاعات است با این وجود نشان از نارضایتی عمومی و پتانسیل اعتراضی علیه کلیت رژیم است که در حرکات اخیر معلمان نیز نقش کارگران و دانش آموزان و حمایت مردمی را بخوبی می توان دید.

در ادامه یورش و سیاست تعرض آشکار، با احضار تعدادی از زندانیان سیاسی سابق و مبارزان و افراد روشنفکر و منتقد و شلاق زنی در ملاء عام و به اجراء گذاشتن احکام قصاص و سنگسار، رژیم می خواهد جو رعب و وحشت را در جامعه تداوم بخشد. دانشجویان مبارز را در معرض اعدام قرار می دهد و توسط نیروهای لباس شخصی و یگان ویژه نیروی انتظامی به بهانه ی حفظ امنیت، فضای پلیسی و جو خفقان را حاکم کرده و شبانه روز به شکار نیروهای انقلابی و آزادیخواه می پردازد.

روزی نیست که خبری از رشوه خواری و فساد کارگزاران رژیم در مطبوعات نباشد. رهبران رژیم دنبال پورساتهای کلان قراردادهای اسارت بار هستند. با از بین رفتن تولید صنعتی و کشاورزی، ورشکستگی صنایع و موسسات تولیدی دامنه بیکاری طبیفهای وسیعی از فارغ التحصیلان دانشگاهی را در بر گرفته و آینده دانش آموختگان در هاله ای از ابهام قرار داده است.

رژیم هم اکنون درگیر تضادهای عمیق و لاینحل است و هیچگونه راهی بجز سرنگونی ندارد. هر توافق جدید جناحی بسیار شکننده است. البته این بدان معنا نیست که براهتی قدرت را به مردم واگذار کند. رژیم مافیائی جمهوری اسلامی برای ماندن در قدرت به هر کاری دست خواهد زد. مذاکرات پشت پرده را ادامه خواهد داد قراردادهای ننگین خواهد بست. برای اجرای این سیاستها به سرکوب نظامی روی خواهد آورد در همین روز ها شاهد هستیم که یگان ویژه خود را به خیابانها ریخته تا با

ایجاد ترس و وحشت به حکومت ننگین خود ادامه دهد. فراموش کرده اند که گارد جاویدان رژیم دیکتاتوری شاه توانست با تمامی اربابانش او را نجات دهد.

زیادی وجود دارد که وظیفه جنبش دانشجویی است که گزارش دقیق و جامعی از وقایع آن روزها تهیه کند و در اختیار جنبش قرار دهد و بر تمامی خانوادهها است که اسامی مفقود شدگان خود را در اختیار رسانه ها و سازمانهای مترقی و مجامع بین المللی قرار دهند. وحشیگری های رژیم بسیار دامنه دار است. با یکی از شاهدان عینی در وقایع تیرماه سال ۷۸ که حکایت از جنایات وحشیانه نیروهای امنیتی و انتظامی در شهر تبریز دارد، مصاحبه ای صورت گرفته که قسمتهائی از آن در این نوشته نقل می شود.

بعد از حرکت اعتراضی ۱۸ تیر نیروهای امنیتی و انتظامی در تمامی شهرها به حال آماده باش در آمدند، بخصوص نیروهای انتظامی و امنیتی و بسیج در شهر تبریز به حالت آماده باش کامل در آمدند و شهر تحت کنترل نظامیان قرار گرفت. دانشجویان بر اساس یک سری خواسته ها مانند آزادی قلم و بیان، محاکمه علنی سعید امامی و سازمان ترور و حمایت از دانشجویان تهران خواستار راهپیمائی می شوند. راهپیمائی ۱۹ تیر را با وجود آماده باش نیروهای ویژه لغو می کنند. ۲۰ تیر ماه به حمایت از دانشجویان تهران در جلوی دانشگاه تبریز تجمع و بعد از ظهر اقدام به راه پیمائی می کنند. در این روز نیروهای انتظامی و بسیج و نیروی ویژه تمامی مناطق تبریز را تحت کنترل می گیرند. در چهارراه آبرسان بسیجی ها و تعدادی از انجمن اسلامی ها با آجر و سنگ شیشه های بانک تجارت و مخابرات را می شکنند و تظاهرات آرام را تبدیل به آشوب می کنند. نیروهای انتظامی با باطوم و بسیجی ها و لباس شخصی ها با چاقو و آلات قتاله به راهپیمایان حمله می برند. نیروهای ویژه در اتوبوسهائی که صندلی آنها برداشته شده بود مخفی شده بودند. نیروهای ویژه اتوبوسها را به طرف راهپیمایان هدایت می کردند و در ها را باز کرده و به راهپیمایان یورش می آوردند و به قصد کشت آنها را زیر ضرب و شتم قرار می دادند، زخمی ها را به اتوبوسها می انداختند و معلوم نبود که آنها مرده اند و یا زنده و سپس با خود به جای نا معلومی می بردند. تعدادی که موفق می شدند از معرکه فرار کنند به منازل مردم و یا به بیمارستان پناه می بردند. پرسنل بیمارستان با استفاده از لباسهای پرستاران، مریضان و یا بستری کردن، دانشجویان را از دید نیروهای انتظامی دور و در موقع مناسب فراری می دادند. مردم شهر نیز دانشجویان را در خانه های خود پنهان می کردند.

در این روز حکومت نظامی برقرار و تمامی گذرگاهها و ترمینالهای مسافربری تحت کنترل نیروهای انتظامی در آمد. دانشجویان غیر بومی برای رفتن به شهرها و یا روستاهای خود به طرف ترمینالها هجوم آوردند. اتوبوسهای و مینی بوسهای مسافربری شدیداً کنترل می شدند، نیروهای انتظامی از تمامی جوانان کارت شناسائی می خواستند. جوانانی را که کارت دانشجویی داشتند و یا کارت شناسائی نداشتند دستگیر و با خود به محل نا معلومی می بردند.

ایشان در مصاحبه می گوید، بیرحمی ها آنقدر زیاد بود که قابل توصیف نیست، افرادی نیز نسبت به وحشیگریها عکس العمل نشان می دادند و می گوید: "بسیجی ها و لباس شخصی ها با آجر ساختمانی به طرف دختر دانشجوی شهرستانی حمله بردند و با آجر به دهان او کوفتند، یکی از جوانان ناظر بطرف آنها حمله کرد و با کمک مردم دختر را از دست آنها نجات داد" و در جای دیگر می گوید: " در همان جا پسر دانشجوی کردی را با چاقو زخمی کردند. زخمی ها را نیروهای انتظامی از محل دور می کرد. نیروهای سرکوبگر رژیم لباسهای

از صفحه قبل

از طرف دیگر جمهوری اسلامی دست از ریاکاری بر نخواهد داشت و مذبحخانه سعی خواهد کرد که جنبش دانشجویی را به انحراف بکشاند و در این بین از نیروهای دو آتش که بین زندان و دفتر کارشان در رفت و آمدند استفاده خواهد کرد.

نقش دانشجویان کمونیست و چپ در افشای دوگانه چهره رژیم بسیار مهم است. دانشجویان باید با ایجاد کمیته های و تشکلهای مستقل حرکات و شعارهای جنبش دانشجویی را گسترش دهند و با جنبش طبقه کارگر ارتباط برقرار کرده و دست به افشاگری همه جانبه علیه رژیم دست بزنند.

مبارزه علیه هرگونه ستم و استثمار و هرگونه شکنجه و اعدام و تبعیض جنسی، نژادی، قومی و احترام به حقوق ملیتها پیش روی تمامی دانشجویان کمونیست و دمکرات و تمامی آزادیخواهان است.

زندانی سیاسی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد. شکنجه، اعدام ملغی باید گردد

* * * * *

جان زندانیان سیاسی در خطر است

هشدار !

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در جهت منافع خود به هیچ احدی رحم نکرده و نمی کند. رژیم بسیار وحشی و ترسو و بسیار خونخوار است. خانواده های محترم و عزیز، می توانید به تعداد زیادی از خانواده های اعدامیان زندانیان سیاسی مراجعه کنید، برایتان از وعده وعیدها و جنایات انجام شده تعریف خواهند کرد و خواهند گفت که چه عزیزی را از دست داده ایم. با افشای نام و محل زندان آنها در افکار عمومی جامعه و افکار بین المللی و با اعتراضات وسیع توده ای رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم و جان عزیزانمان را نجات دهیم.

ما به وضعیت سیاسی و رابطه تشکیلاتی زندانیان نظری نداریم و صرفاً عنوان زندانی سیاسی موضوع ماست. ۱- ۱۰ (ده) نفر از کارگران کارخانجات کفش ملی که در منازلشان دستگیر شده اند و به زندان اوین برده شده اند.

۲- ۳ (سه) نفر از کارگران کارخانه شادان پور

دستگیر و به زندان اوین برده شدند

۳- فضل الله جلوه در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۱ در منزل دستگیر در هندیجان

۴- سعید صدر ۵- خلیل رستم خانی ۶- فرزاد حمیدی ۷- حسن زارع زاده اردشیر ۸- احمد باطبی ۹- اکبر محمدی ۱۰- منوچهر محمدی ۱۱- سیامک پورزند

سازمان مجاهدین خلق بنا به اطلاعیه ای اسامی تعدادی از زندانیان سیاسی را انتشار داده که بشرح زیر می باشد.

- ۱- علی مستوری "ناپدید" ۲- امید ندائی "ناپدید"
- ۳- محمد عدلو "ناپدید" ۴- بهروز زونوی "ناپدید"
- ۵- امیر زارعی "ناپدید" ۶- بیژن سگوند "ناپدید"
- ۷- زهرا افتخاری "ناپدید" ۸- امیر غفوری "ناپدید"
- ۹- مهرداد حاجیان "ناپدید" ۱۰- مهرداد کمالی "ناپدید"
- ۱۱- سید محمود میدانی "ناپدید"
- ۱۲- علالدین مبشری "ناپدید" ۱۳- سیاوش ورزش نما "ناپدید"
- ۱۴- سعید ماسوری ۱۵- افشین بایمانی ۱۶- سعید شاه قلعه ۱۷- خلیل شالچی ۱۸- ایرج یآوری ۱۹- مینو امیر پناهی ۲۰- فریبرز محمودی ۲۱- حسین حیدری ۲۲- جعفر رستم زاده ۲۳- حسین صدیقی زاده ۲۴- منصور کنگره دره ۲۵- صادق سیستانی ۲۶- حسین کرمی ۲۷- غلامحسین کلبی ۲۸- محمد رضا محمود نیا ۲۹- احمد امیری ۳۰- جعفر اقدمی ۳۱- پرویز باقری ۳۲- احمد فارسی ۳۳- فرهاد فتحی ۳۴- جواد حسن زاده ۳۵- بهرام رشید حسین پور ۳۶- مراد خاکسار ۳۷- هاشم شاهین نیا ۳۸- حجت زمانی ۳۹- عباس نوائی روشندل ۴۰- علی اصغر(مهدی) بیدی ۴۱- جواد صدقی ۴۲- جلال مبین زاده ۴۳- جمشید امیری ۴۴- جلال مهدیان ۴۵- صبا شکر بیگی ۴۶- مهدی فرد کهن ۴۷- علیرضا ایمانی ۴۸- بهزاد برجی ۴۹- بهروز جاوید تهرانی ۵۰- بابک امین ۵۱- یاسر محمدی ۵۲- مریم کربلائی ۵۳- حیدر نوری ۵۴- علیرضا شریعت ۵۵- نجم الدین خسروی ۵۶- شاهین شعیب زاده ۵۷- شهرام فلاح کریمی ۵۸- حسین گندمی ۵۹- صابر مسگری ۶۰- صابر کبیری ۶۱- فرید صادقی ۶۲- غلامرضا بهبهانی ۶۳- علیرضا جباری ۶۴- کیانوش صابر بویری ۶۵- رحیم یوسف وندی ۶۶- آرش نقشبندی ۶۷- جمیله ذوالفقاری

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد

شکنجه، اعدام ملغی باید گردد

محلای نظیر جعفر آباد - دولت آباد - آناهیتا - آریاشهر و... محل تجمع قشر وسیع رانده شده از روستاهاست که بعد از سرخوردگی از زندگی در شهر و شکست در فعالیتهای غیرتولیدی با مشاهده پلهای ویران شده پشت سرشان ناچاراً تعدادی به شرکت در نیروهای نظامی و انتظامی و به خصوص بسیج تن داده اند. جدا از اینکه کارگران و زحمتکشان شهری برای احقاق حقوق خود و بدست آوردن مطالباتشان معضل مهم و اساسی عدم تشکیل بی بهره اند و عمده اعتراضات آنها خودبخودی و مقطعی بوده و همراه با توهم و گمان است. نمونه اعتراضات کارگران نساجی غرب و پشمبافی کشمیر در سال گذشته شاهد این مدعاست. نیروی عظیم بیکار سلاح تهدید آماده ای در دست کارفرمایان و سرمایه داران علیه کارگران شاغل در منطقه است. نبود تشکل - دیکتاتوری افسار گسیخته - جو پلیسی حاکم بر محیطهای کار و زندگی آنچنان وضعیتی را بوجود آورده که عموماً کارگران و زحمتکشان منطقه بجای سازماندهی مبارزات و مبارزه برای بهبود وضع معیشتی و محیط سالم به سرگرمیهای مبتذل و حرفهای کوچک بازاری روی آورده و وقت با ارزشش را تلف می کند. اینک بخش بزرگی از مردم علیرغم اظهار نارضایی از وضعیت معیشتیشان، خود را با بازار کاستهای بسیجیان دیروز و بهتر بگوییم خوانندگان پاپ امروز مشغول کرده اند و یا در فکر فرار از منجلاب رژیم به کشورهای دیگر هستند. رژیم شدیداً از سیاسی شدن منطقه جوگیری می کند و با فعالان سیاسی و مبارزین بشدت مقابله می کند. روند جاری ناشی از عدم درک کارگران و نیروی جوان از مبارزه و یا کاملاً از سرکوب وحشیانه رژیم و جو پلیسی حاکم در منطقه نیست، بلکه ناشی از ضعف و عدم درک نیروهای انقلابی است که نتوانسته اند نقش خود را به عنوان پیشرو انقلابی ایفا نموده و سدی محکم در برابر تهاجمات رژیم بر علیه جنبش و نیروهای بالقوه و بالفعل بسازد. اعتراضات پراکنده و خودبخودی کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و دیگر اقشار ناراضی هنوز نتوانسته با یکدیگر پیوند برقرار نمایند. و این همان چیزی است که ضرورت وجودی پیشرو انقلابی را در بطن مبارزات روزمره این اقشار و حضور فعالش را میطلبد. اعتماد و سازماندهی آنان مستقیماً تحت تأثیر فعالیت عملی پیشرو انقلابی است. صحبتهای روزانه اقشار مردم در وسائط نقلیه عمومی و اماکن عمومی ضرورت مبارزه علیه ستم و استثمار و خواهان عدالت و سرنگونی رژیم هستند. تجربه کار عملی و سازماندهی دهقانان و زحمتکشان روستاییی که در غرب و حومه در سالهای بعد از قیام ۵۷ تا ۵۹ توسط رفیق فدایی یحیی رحیمی و دیگر رفقای فدایی در ستاد سازمان در کردن غرب هنوز هم از افتخارات مردم این منطقه می باشد که سالیان سال رنج ستم و استثمار خوانین را بر گوشت و پوست خود احساس می کردند.

مطلب زیر چکیده ای از گزارش رفقای کمیته کردستان در یک مرحله گشت چند تن از رفقای کمیته کردستان است که در این شماره به چاپ میرسد

خلاصه ای از گزارش

گشت کمیته کردستان

مزدوران رژیم در کردستان عراق تردد دارند و مناطق مرزی را به شدت کنترل می کنند. پاسداران و نیروهای ارتش و دستگاههای امنیتی مسیر ۱۳۰ کیلومتری مرز سرپل ذهاب تا اسلام آباد غرب را به شدت زیر نظر دارند. سرپل ذهاب شهر کوچکی است که مرکز اصلی فعالیت اطلاعاتی رژیم برای شناسایی و شکار نیروهای انقلابی در غرب کشور است. مردم کرمانشاه نسبت به دیگر شهرهای کردنشین با فعالیت گروههای محلی کردستان ایران رابطه ی چندانی ندارند. رژیم بیشتر از ناحیه فعالیتهای مجاهدین در این شهر و تردد نیروهای این گروه احساس خطر می کند و همین امر باعث شده تا این شهر به صورت برج نظامی در آمده و دور تا دور آن توسط پادگانهای ارتش و سپاه محاصره و سطح شهر نیز با پایگاههای مقاومت بسیج کنترل می شوند. این شهر در موقع جنگ ضدمردمی به مرکز اعزام نیروهای نظامی به جبهه های جنگ تبدیل شده بود و فعالیتهای اقتصادی و خدماتی در این شهر ویران شده مرزی به خصوص قصرشیرین از سر گرفته شده و در صورت سرمایه گذاری و احداث راه آهن دورود به کرمانشاه و اتصال آن به خط راه آهن بغداد - خانقین زمینه های اقتصادی- سیاسی و بسط و گسترش روابط اجتماعی در منطقه بوجود خواهد آمد. از آنجاکه رژیم جمهوری اسلامی امکانات مالی را در امور نظامی و اطلاعاتی مصرف نموده و منطقه را شدیداً نظامی کرده است. فعالیتهای اقتصادی و خدماتی در مرکز استان و به تبع آن شهرهای مجاور به کندی صورت می گیرد. صنایع نساجی - سیمان - پشمبافی و نفت (پالایشگاه) از عمده فعالیتهای صنعتی است و شهرهای استان کرمانشاه عمدتاً به فعالیتهای کشاورزی مشغول هستند. جدیداً کشاورزی مکانیزه و در غالب مجتمعهای کشت و صنعت با مشارکت سرمایه داران بزرگ و دولت شکل یافته و در مناطقی نظیر دشت ذهاب، ماهیدشت و بیستون زمینهای یکپارچه و با کشت مکانیزه اداره می شود. روستائیانی که زمینهای آنها توسط مجتمعها خریداری شده اکنون در حاشیه مرکز استان به خیل عظیم نیروی بیکار پیوسته اند و به خوش نشینی روی آورده اند.

از صفحه اول

سپاه تهران بزرگ و یگان ویژه

قوای رژیم و نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی که تحت رهبری ولایت فقیه قرار دارند. یگان ویژه نیروی انتظامی را برای ایجاد ترس و وحشت عمومی روانه خیابانها کرده اند. رژیم می خواهد مردم را به این گونه رفتارهای نیروهای سرکوبگر عادت دهد و حتی در موقع خواب نیز اسلحه را بالای سر خود احساس کرده و بیرحمی های نیروهای سرکوبگر را فراموش نکنند. یگان ویژه برای این هدف با لباسهای سبز، کلاه، باطوم، اسلحه تهاجمی و نارنجک در چهار راهها، مناطق حساس و گذرگاهها مردم را تحت بازجویی قرار می دهد. این نیروهای سرکوبگر هرگونه حرکات و رفتار مردم را چه از نظر راه رفتن، لباس پوشیدن، اصلاح سر و صورت، آرایش و... مورد بازجویی و اهانت قرار می دهند. در صورت مقاومت فرد، معترض با باطوم و مشت و لگد مورد ضرب و شتم قرار می گیرد و اگر تعدادی از افراد دیگر به حمایت فرد مزبور بیایند نیروی یگان ویژه با مسلسل به معترضین حمله می کند و اگر مردم برای دفاع از خود به نیروهای یگان ویژه هجوم آوردند، یگان ویژه با نارنجک و دیگر ابزار همراه به آنان حمله می کند و اگر نارنجک ها و... جواب نداد؟؟؟

رژیم نیروهای دیگری را با نام سپاه تهران بزرگ به فرماندهی سرتیب مقدم !!! معروف و زیر نظر مستقیم ولایت فقیه برای کنترل اعتراضات توده های تهران بزرگ سازماندهی کرده است. این فرماندهی تمامی برنامه های ابلاغی گشت و مأموریت های نیروهای سپاه و بسیج تهران را صادر خواهد کرد. رژیم با پیش بینی اعتراضات توده ای به سازماندهی این نیروها اقدام کرده است و در صدد است اعتراضات توده ای را بیش از پیش مورد تهاجم قرار دهد و فرماندهی های مشابهی را در شهرهای بزرگ تشکیل دهد.

جمهوری اسلامی در تنگنای دشواری گرفتار آمده است از طرفی تضادهای درونی باندهای رژیم و بحران اقتصادی و اجتماعی و از طرف دیگر با اعتراض گسترده توده های مردم رو به روست که می رود به سیل بنیان کن تبدیل شود و رژیم جمهوری اسلامی را به زباله دان تاریخ بسپارد.

* * * * *

اخبار و گزارشات داخلی

ادامه از صفحه ۶

مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون وضع می کند

در صورتی که سن ازدواج در ایران بر اثر رشد فکری و از طرف دیگر بیکاری، فشارهای مالی و عدم امکانات کافی بشدت پائین آمده و حتی در روستاها نیز میانگین سن ازدواج از مرز ۲۰ سال گذشته است. ضرورت تصویب این قانون در این شرایط نشان از سوء استفاده و هوس بازی عده ای قلیل که از امکانات حکومتی برخوردارند، می باشد و حتی برای مناطقی که روابط قبیله ای و پدرسالاری شدیداً حاکم است، سنین متوسط ازدواج بالا رفته است.

* * * * *

نیروهای انتظامی درگراش سه نفر را کشتند

روز یکشنبه ۲ تیرماه هزاران نفر از مردم گراش یکی از شهرهای جنوبی استان فارس در اعتراض به سیاستهای رژیم دست به راهپیمایی اعتراض آمیز زدند. نیروهای امنیتی و انتظامی به تظاهر کنندگان هجوم برده و سه تن از اهالی را با ضرب گلوله کشتند و تعدادی نیز دستگیر شدند.

بازجویی از پدر و مادر مؤلفان

هجوم رژیم به توقیف و نشر کتاب، به کتاب "جنس دوم" نوشته دوبار نیز رسید. به گزارشهای رسیده نمایندگان سازمان بازرسی کل کشور مستقر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اخیراً فهرست سی صد عنوان کتاب را از اداره مراکز و روابط فرهنگی گرفته اند تا آنها را مورد بازرسی قرار دهند. گفته می شود به برخی از ناشران مراجعه شده و نسخه هایی از کتابهایشان را برای بررسی گرفته اند. در این میان کتاب زنان موسیقی ایران به دادگاه کشیده شده است. همچنین شنیده شده است که در جریان بازجویی ها از مؤلفان و کتابهای توقیف شده قبلی از پدر، مادر و استاد راهنمای یکی از مؤلفان نیز بازجویی شده است.

* * * * *

هادی خامنه ای و فروش روزنامه حیات نو

پنجشنبه ۶ تیر ماه روزنامه کیهان وابسته به وزارت اطلاعات اعلام کرد هادی خامنه ای روزنامه حیات نو را به فروش گذاشته است. روزنامه کیهان مدعی است که هادی خامنه ای از سردمداران دوم خردادی بخاطر بدهی ۵۰۰ میلیون تومان که از شهرام جزایری عرب رشوه گرفته است این روزنامه را بفروش گذاشته تا مبلغ فوق را بپردازد.

شهرام جزایری عرب در اعترافات خود بسیاری از مسئولان و سردمداران رژیم را در دادگاه اسم برده و مدعی شده است که مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به آقای هادی خامنه ای برادر ولایت فقیه رهبر جمهوری اسلامی پرداخت کرده است.

* * * * *

حکم محکومیت آغاچاری صادر شد

سه شنبه ۱۱ تیر ماه حکم محکومیت هاشم آغاچاری از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از طرف دادستانی همدان صادر گردید.

هاشم آغاچاری چند روز پیش از صدور حکم در مراسم بزرگداشت دکتر شریعتی در همدان انتقاداتی از روحانیت انجام داده که مورد حمله شدید باند سنتی و مراجع شیعه قرار گرفت و نیز مورد غضب روحانیون دوم خردادی واقع گردید.

* * * * *

آدرس پست الکترونیکی کمیته کردستان**kurdistan@fedayi.org****نشریات کار کمونیستی و****ریکای که ل و جهان کمونیستی و آخرین اطلاعیه های****سازمان را از آدرس غرضه سازمان در اینترنتی دریافت****کنید****www.fedayi.org****www.fedayi.se**

سالروز بابک کرامی باد

اعدام روان می کنند. موقع اعدام برگشت و گفت راست گفتمی اینها کسی را بخواهند اعدام کنند اگر بتوانند اعدام می کنند. آنها می خواهند زندانین سیاسی را هم اعدام کنند و هم نابود."

از طرف دیگر منوچهر محمدی در تاریخ ۸۱/۴/۶ از زندان اوین با ضرب و شتم به زندان قائم شهر از شهرهای استان مازندران منتقل گردید.

پدر محمدی در مصاحبه ای اعلام کرد: فرزندم که برای انتقال مقاومت می کرد با ضرب و شتم از زندان اوین به زندان قائم شهر منتقل کردند. وی اضافه می کند، که نیروهای اطلاعاتی قبلاً اعلام کرده بودند که باید بصورت داوطلبانه تقاضای انتقال به زندان قائم شهر دهد و اگر در خواست ندهد ما به زور او را به آن زندان منتقل خواهیم کرد. در ضمن زندان قائم شهر زندان اشرار و خلاف کارهاست. پدر محمدی معتقد است منوچهر محمدی را بخاطر زیر فشار قرار دادن به آن زندان منتقل کرده اند

* * * * *

مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون وضع می کند

مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه مجلس را در مورد سن ازدواج را بدون در نظر گرفتن اشکالات شورای نگهبان به کنار گذاشت و قانونی را در مورد سن ازدواج به تصویب رساند و برای اجرا به مراجع اجرائی ارسال کرد. در این قانون سن دختر را ۱۳ سال و سن پسر ۱۵ سال اعلام شده و سنین پائین تر را منوط به موافقت والدین دانست. سنین شرعی ازدواج در اسلام ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران در نظر گرفته شده است. در صفحه ۵

* * * * *

در آستانه مراسم سالروز تولد بابک خرم الدین کنترل نظامی و امنیتی شهرهای آذربایجان شدت یافته است. مراسم روز بابک در قلعه بابک واقع در کلیبر ۴ سال است که با استقبال وسیع روبرو است و آذری ها از اکثر شهرهای آذری نشین از استان زنجان گرفته تا استان آذربایجان غربی در این مراسم شرکت می کنند. سال گذشته بنا به گزارشات در مراسم یک هفته ای صدها هزار نفر شرکت کردند.

استانداری ها در کلیه استانهای آذری نشین دستورالعملهایی برای شرکتهای توریستی داخلی صادر کرده اند که از سرویس دهی به طرف قلعه بابک (کلیبر) خودداری کنند. رژیم جمهوری اسلامی که هرگونه مراسم ملی را ممنوع کرده در بسیاری از شهرهای آذربایجان فعالان سیاسی و حتی فعالان مسائل اجتماعی را بازداشت کرده و از تعدادی نیز خواسته است از شهر خارج نشوند. عاشق ها نیز از این خطارها و بازداشتها در امان نمانده اند، نیروی انتظامی از آنها خواسته است که خود را به مقرهای نیروی انتظامی معرفی کنند در ضمن یکی از عاشق ها را بازداشت کرده است. بزرگداشت بابک به یک حرکت نمادی و اجتماعی اعتراضی بر علیه رژیم ارتجاعی مذهبی در ایران بخصوص در آذربایجان تبدیل شده است. جمهوری اسلامی که هر حرکت حق طلبانه را بشدت سرکوب می کند و حقوق ملتها را پایمال میکند و جنگ و برادر کشی و تخم نفاق را در میان ملل بوجود می آورد.

حقوق ملتها باید به رسمیت شناخته شود و ملتها حق داشته باشند سرنوشت خود را تعیین نمایند و به زبان مادری خود بنویسد و بخواند و آموزش دهند و آموزش بگیرند. هر ملتی حق دارد سرنوشت خود را بدست گیرد و داوطلبانه و آگاهانه به همزیستی مسالمت آمیز با دیگر ملتها بکوشد و حقوق تمامی ملتها را برسمیت بشناسد.

* * * * *

حکم اعدام اکبر محمدی تأیید شد

حکم اعدام اکبر محمدی از طرف دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. بنا به گزارشات موثق بسیاری از زندانیان سیاسی مورد شکنجه های روحی و روانی و جسمی قرار گرفته اند تا در مصاحبه های تلویزیونی شرکت و اظهار ندامت و پشیمانی کنند و به آنها گفته اند اگر در مصاحبه شرکت نکنند اعدام خواهند شد که اکبر محمدی یکی از آنهاست. رفیقی از زندان سال ۶۷ تعریف کرد و گفت " یکی از زندانیان سیاسی که بسیار هم شکنجه شده بود و جوانی بسیار محترم بود، از طرف دادیار و خانواده اش زیر فشار قرار گرفته بود که در مصاحبه شرکت کند و بالاخره دادیار زندان به خانواده آن زندانی وعده می دهد و می گوید شوهر تو در صورتی عفو می خورد که در مصاحبه شرکت کند و من قول میدهم که او را شامل عفو بکنیم. آن زندانی سیاسی جریان را با من در میان گذاشت و از توطئه او را آگاه کردم. باز دوباره به ملاقات رفت و آمد و گفت قاضی هم قول داده است. این طفلک با فشار خانواده و از طرف دیگر وعده های قاضی و دادیار تن به این کار می دهد و آنها هم رحم نمی کنند و ۴ روز دیگر او را به جوخه های

آدرسها و شماره فاکس تماس با سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

Kar - Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se